



میباشد مسؤولیت متن، املاء و انشاء این نوشته بدوش مترجم آن است



۲۰۱۷/۱۰/۱۸

مرجان کمال

طالبان افغان وارث رزمندگان ضد شوروی مشخص ساختن هویت سیاسی و اجتماعی یک میراث جنگ علیه شوروی ها

مترجم: فریده نوری کمال



یادداشت مترجم: مقاله ذیل را روان شاد مرجان عزیزم در ماه جولای ۲۰۱۴ میلادی نوشته بود و در مجله شماره ۹ دیپلوماسی (DIPLOMATIE) یکی از رسانه های معتبر فرانسوی چاپ پاریس نشر شده بود که من به خود جرئت دادم که آن را با درک اینکه به یک فرانسوی بسیار عالی و سیانتیفیک نوشته بود، ترجمه کنم و برای مطالعه خوانندگان برای نشر به وبسایت خواندنی و عزیز " آریانا افغانستان آنلاین" تقدیم دارم. اگر در ترجمه آن کوتاهی صورت گرفته باشد از روان پاک مرجانم طلب معذرت دارم.

فریده نوری کمال

قسمت دوم

- ❖ جنبش طالبان افغان برای استقرار سیاسی و اجتماعی خود، جنوب و جنوب شرق را در اختیار دارند.
- ❖ از سال ۲۰۰۳ توسعه و انکشاف شان از این سرزمین گواه توانا ساختن یک بنیان یا پایگاه نو برای جلب عضویت طرفداران که در اثر تضاد ها و دشمنی های چندین دهه خشونت مسلح به وجود آمده است.
- ❖ در سال ۲۰۰۱ اضلاع متحده و متحدین وی رژیم طالبان را به رهبری ملا محمد عمر سقوط دادند.
- ❖ از سال ۲۰۰۳ طالبان با دو گروه سیاسی مسلح دیگر همراه گردیدند که عبارت اند از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی جلال الدین حقانی، که سعی بهم پیوستن را در مناطق قبایلی پاکستان نمودند
- ❖ و از آنجا با رخنه نمودن با گروه های فعال، فعالیت های دهشت افگنی و وحشت را در داخل خاک افغانستان شروع کردند.

اقتصاد بازار در درگیری

در سال های ۹۰ کشت و تولیدات کوکنار در منطقه قبایلی پاکستان در دیر، بونیر، مهمند و خیبر از بین رفته و در داخل خاک سرحدی افغانستان مخصوصاً در ولایات هلمند، ننگرهار و بدخشان جاه گزین گردید.

در سال ۱۹۹۲ بعد از سقوط رژیم کمونیستی طرفدار شوروی، تمام زمین های زراعتی آبی دولتی توسط قوماندان های محلی تصرف و سبب خلق شدن رقابت ها بین شان گردید.

این تحولات ریشه خود را از تبدیل شدن تغییر وظیفوی سیستم سیاسی می گیرد، به عبارۀ دیگر این تحولات و تغییرات قوماندان های اسبق جهادی را به یک قوت مافوق دولت تبدیل کرده و بالاخره به قاچاق مواد مخدر اسلحه و آهسته آهسته آزادی خود را از حزبی که از آن به وجود آمده بود، گرفتند. این تحول منشأ خود را از تغییرات در چوکات وظیفوی قدرت سیاسی می گیرد. در واقع انکشاف و تحول شبکه مافوق از کدر محلی بیرون شده و معاملات به صورت خودسرانه و بدون ارج گذاشتن به قوانین نافذۀ کشور عمل می نمایند، که همه شان در قاچاق مواد مخدر، اسلحه، و انواع دیگر امور خلاف قانون تخصص دارند، در دوران مقاومت همه چیز توسط یک قدرت مرکزی که همانا احزاب شان بود کنترل و تعیین کننده وظایف و تقسیم ضروریات شان بود.

وسعت یا گسترش قدرت نظامی سیاسی، قوماندان های مختلف نظر به توانایی مالی که در این مدت اندوخته اند و یا به عبارۀ دیگر مربوط قدرت کنترل نقاط عبور و مرور در سرحدات می باشند. فلذا منبع اقتصادی قاچاق و دلیل خشونت و بی امنیتی در قریه جات و مناطق تحت کنترل شان رقابت های باند های رقیب سبب نا امنی دائمی و همیشگی گردیده است. با وجود این پدیده، تقسیم نظامی سیاسی، جهت موازنه برقرار کردن ظهور گسترش مناطقی که در آن عملیات شان صورت می گیرد یعنی نقاط سرحدی مرکزیت یافته است. این نقاط مرکزیت نو اقتصادی که بعضی از قوماندان ها به آن دست یافتند توانستند یک سلطه برای شان ایجاد کنند.

پوسته سرحدی سپین بولدک در جنوب در قندهار نشان دهنده یک نقطه ارتباط مطمئن برقرار کردن تبادل بین المللی بین ممالک گل و آسیای میانه از طریق بندر دریائی ترمز بالای آمو دریا در ازبکستان.

شاهراه قندهار، هرات توسط یک گروه بزرگ قوماندان های محلی بین سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ و پارچه پارچه شدن اوضاع سیاسی یک منبع مطمئن به خشونت های مسلحانه شان می باشد.

در سال ۱۹۹۴ جنبش طالبان موفق شد که رقبای آشوب گرای مسلح محلی را که در آنجا فعالیت داشتند خلع صلاح نماید، و به تاریخ ۳۰ مارچ ۱۹۹۵ جنرال پاکستانی نصرالله بابر اعلان نمود که پاکستان به مبلغ سه ملیون دالر ترمیم سرک بین قندهار و هرات را تعهد می نماید. بر علاوه طالبان از کمک مالی تاجران خارج از وطن که در مناطق گل مشغول تجارت هستند و ممالک گل را به پاکستان و آسیای میانه ارتباط می دهند مستفید می گردند.

فرهنگ سیاسی اجتماعی طالبان

در ۱۹۹۲ هنگام سقوط رژیم کمونیستی تحت حمایت مسکو، مجاهدین کنترل پایتخت کابل را به دست گرفتند. تضاد و دشمنی های قومی بین جناح های مختلف به صورت خیلی وخیم سبب بروز جنگ های داخلی گردید. در این اوضاعی انفجاری و وخیم که وحشت و خشونت بین جناح های مختلف شعله ور بود، که در ۱۹۹۴ ملا محمد عمر، که به تدریس علوم دینی در مدرسه در جنوب کشور و یک قوماندان سابقه حرکت انقلاب اسلامی، سبب جمع آوری و تشکیل یک گروه طالبان جوان و قوماندان هایی که مربوط به شاگردان مدرسه جبهۀ طلبا که یک ساختار مقاومت علیه شوروی ها بودند، به وجود آورد.

جنبش طالبان به زودی کنترل نظامی و سیاسی ولایت قندهار در جنوب را گرفتند، و به خلع سلاح، و بیرون انداختن گروه های مسلح در سال ۱۹۹۶ که در کابل در حال خشونت و وحشت بودند اقدام نمودند.

ساختار یا تشکیل این گروه یا جنبش از تهداب اجتماعی میراث مستقیم مولوی محمد نبی محمدی می باشند، این جنگجویان همه پشتون های جنوب و جنوب شرق و از نظر اجتماعی ارتباط می گیرند به طبقه فقیر و تهی دست، و یک نسل نو که اکثریت آنها از یتیم هایی که در کمپ های مهاجرین در پاکستان در منطقه سرحدی همراهی افغانستان و ولایات غزنی - قندهار - زابل و اوروزگان تربیه شده اند.

قوماندان های این جنبش همه قوماندان های اسبق حرکت، که این نسل نو را در داخل یک کدر منظم که توسط فرهنگ جهادی که در سال های ۸۰ خیلی بارز بود، مشبوع کردند.

مدارسی که تربیه این جوانان پناه جو را عهده دار بودند افکار دیوبندی کلاسیک یک تعبیر عام فهم، به جوانان تدریس نمودند، که این افکار دیوبندی در سال ۱۸۶۷ تهادیش در دیوبند هند گذاشته شد، منشأ خود را می گیرد.

در سال های ۸۰ از برکت سرازیر شدن پول زیاد از ممالک گلف به تعداد مدارس دیوبندی افزوده شد، که سبب ظهور یک اسلام سخت گیر و غیر قابل انعطاف شد. و بدینگونه پیوند و تحقق جهاد یک جای مرکزی را در نزد جنبش طالبان اختیار کرد.

از نظر اجتماعی ظهور جنبش طالبان در سال ۱۹۹۴ ارتباط به ساختن دوباره جامعه، که در آن از قوانین شریعت اسلامی مطالبه گردیده است. این تقاضا توسط یک مولوی قریه که روابط وی با فامیل های کلان روحانیون قطع گردیده است درخواست گردید.

نا گفته نباید گذاشت که گرفتن قدرت توسط طالبان مطابقت به بی ریشه بودن شان در نیمه دوم قرن بیستم می کند. ظاهر شدن این مذهب یون نو، جای خالی ای را که به دلیل دوران جنگ، از نبود علماء - نخبگان - و دانشمندان به وجود آمده بود، پر کردند، خلاصه که فرهنگ سیاسی طالبانی نتیجه تبدیل شدن اوضاع اجتماعی به دلیل جنگ می باشد.

انکشاف شبکه داخلی که تخصص و مهارت در قاچاق اسلحه و مواد مخدر داشتند، آهسته آهسته به یک فرهنگ خودمختاری قوماندان ها در مقابل احزابی که به آن وابسته بودند، مبدل شد.

شورش بر علیه دولت و دوباره برانداختن یک دوره نو خشونت مسلح

در ماه اکتوبر ۲۰۰۱ به راه انداختن یک عملیات «آزادی تغییر ناپذیر» در چوکات یک جنگ کلی بر علیه دهشت افگنان یا تروریسم توسط امریکا به راه انداخته شد، که به زودی سبب سقوط کابل و بعداً قندهار گردید.

برگزاری یک کنفرانس بین المللی در جنوری ۲۰۰۲، منجر به امضای موافقتی در بن گردید، که در آن پیش بینی تحریر قانون اساسی نو و تشکیلات برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی جاگزین شد. هدف از این اقدامات به راه انداختن طرق یا روش احیای دوباره یک دولت قانون مند بود، که برای رسیدن به این اهداف و بر قراری آن، قوای نظامی بین المللی کمک و امنیت یا محافظت (I.S.A.F) که از جانب شورای امنیت سازمان ملل منصوب گردید، که رژیم نو ساخته کابل را به لحاظ نظامی حمایت نماید. سران احزاب سیاسی مختلف، مقاومت علیه شوروی ها همه شان به داخل رژیم نو در تشکیل کابینه دولت سهیم شدند و یا به حیث وکلای ولسی جرگه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ انتخاب گردیدند.

در ولایات انتصاب قوماندان های سابقه محلی در ساختار دولت به حیث والی ها یا قوماندان های امنیه که به وزارت داخله تعلق دارند، دلیل ایجاد یک گروپ مسلح گردید که به تصرف مناطق تحت کنترل آن ها انجامید. کنترل تشکیلات حکومت های محلی که تمویل کنندگان مالی آن ها کمیته بین المللی می باشد و دلالت به بوجود آمدن یک درآمد نو، باعث تولید رقابت شبکه جدید رقبا گردید.

پروژه احیای دوباره دولت سبب بوجود آمدن دوباره یک میدان مبارزه و تضاد ها و تشکیل تأسیس گروپ های نظامی رقیب در تمام کشور گردید.

در سال ۲۰۰۳ ملا محمد عمر از پناهگاه خود در پاکستان اعلان جهاد علیه قوای ناتو و رژیم کابل را به راه انداخت و همراهی دو حزب اسلامی که عبارت از حزب گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی مولوی جلال الدین حقانی که در جنوب شرق، نفوذ زیاد داشتند یکجا گردید. با اینکار شروع یک فصل جدید خشونت مسلح با عین مشخصات و دینامیک تهدید جهاد جهت برانداختن اردوی سرخ یا ضد شوروی آغاز شده بود. جنگ های چریکی جدید آشوبگرانه بر علیه دولت از یک طرف و قوای ناتو به سرکردگی امریکا از طرف دیگر شروع شد. بر علاوه خشونت گروپ جناح های مخالف در اکثر مناطق بروز نمود. این صفحه جنگ که شروع آن در سال ۲۰۰۳ بود به سه دوره اساسی که معادلت به چندین مرحله می کند.

قدم اول بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به یک دوره رخنه یا نفوذ کردن از طریق پاکستان، که یک گروپ مسلح غیر قانونی یا مردم محلی با شورشیان یکجا علیه دولت شده که جهت مهیا کردن زمینه برای طالبان اهمیت به سزای داشت.

بعداً بین ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ شروع فصل گسترش، که متشکل است از بسیج کردن ده هزار نفر مخصوصاً در جنوب و جنوب شرق کشور، که کنترل تعداد زیادی از ولسوالی ها را در این مناطق در اختیار دارند.

با وجود توسعه نظامی قوت های ناتو و قوای نظامی بین المللی یا (I.S.A.F) جهت حمایت و امنیت که عملیات بر علیه شورشیان را به شدت پیش می بردند طالبان به پیشرفت هایی نائل شدند.

از ۲۰۰۷ شورش وسیعی در تمام نقاط کشور ادامه پیدا کرده و شورشیان توانستند که تهداب خود را در شمال و غرب نیز بسازند.

صلاحیت گسترش هویتی و نیروی زمینی شورشیان علیه دولت

استفاده از بیانات جهادی بخش مهم این توسعه زمینی و بسیج کردن اهالی و رجعت دادن آن به ارزش های دینی میراث مقاومت علیه شوروی هاست.

هدف اساسی برای این مبارزه مسلحانه، سخنرانی در مورد بی عدالتی حکومت، بی آبرویی که توسط اشغال عساکر خارجی و حق تلفی قوای ناتو و قوای مسلح افغان می باشد.

کار بالای این دلایل، سهم بزرگ در به راه انداختن تخیلات جهادی در بین جنگجویان سبب خلق نمودن یک هویت شده و مفهوم دفاع جهاد مسلحانه علیه اشغال گران خارجی و کمک کردن مردم محل امروز به یک عنصر مرکزی زندگی روزمره و فرهنگ سیاسی افغان تبدیل گردیده است.

استفاده و استعمال از این پروپاگند ها که جهت دفاع از طرف شورشیان مسلح به یک عمل تاریخی بالاتر از منطق، تقسیم کردن سرزمین و تفاوت ها، موقعیت های محلی که به بسیج کردن مسلحانه در مناطق مختلف به غیر از ولایات هلمند - قندهار - لغمان - و بدخشان به دیگر مناطق هم ادامه پیدا نمود

در اجتماع یا جمعیت افغان درخواست به جهاد در چوکات یک فرمان برای یک عمل دسته جمعی یک انعکاس قوی دارد. در طول ۳۰ سال اخیر استعمال پیچیده این پدیده در خشونت مسلحانه سبب جنگ ها در جامعه، بین اقوام و قبیله ها گردید.

با وجود آمدن این درگیری که راه را برای مداخله نظامی ناتو باز و سبب به درازا کشیدن خشونت های مسلحانه و پدیده تغییرات اجتماعی و سبب به شهرت رسانیدن طالبان در سال های ۹۰، و گسترش آشوب از سال ۲۰۰۳ بر علیه دولت می باشد. قابل ترس و نگرانی از خروج عساکر ناتو و کم کردن افراد نظامی و مهمات جنگی امریکا، تناقص در تعلیم و تجهیز نظامیان افغان و قوای امنیتی آن از نظر کیفیت یک دلیل بزرگ، و کشور را به خشونت روبرو کرد. این احتمال به دلیل دیگر نیز قابل تشویش است که آن عبارت از حالت اقتصادی بسیار خراب می باشد

دولت متشکل بعد از دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ از یکطرف خود را در برابر تقلیل قوای بین المللی و مالی و



تخنیکی مقابل می دید و از جانب دیگر هیچ راه حلی برای کم کردن تولیدات کوکنار که باعث فساد های گسترده، حکومتداری ضعیف و جرایم اقتصادی را نداشت. این فکتورها به همان اندازه تهدید مخالفین مسلح دولت و خامت دارد.

و بالاخره مذاکرات همراهی مخالفین مسلح دولت، به صورت رسمی به یک نقطه صفر و روابط با اسلام آباد متشنج است.

مجادله علیه کشت کوکنار

پایان بخش دوم و ختم

بخش اول این مطلب را به کمک لینک ذیل مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/marjan_kamal_taleban_afghan_wares_razmendagan_zedussr_1.pdf